

تحول مفهوم حاکم جائز

در فقه سیاسی شیعه





- سرشناسه: احمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵ -
- عنوان: تحول مفهوم حاکم جابر در فقه سیاسی شیعه.
- نام پدیدآور: محمدرضا احمدی طاشیزان.
- مشخصات نشر: تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- مشخصات ظاهری: ۴۰۸ ص؛
- فروست: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۶۳۷، اندیشه سیاسی، ۳۳
- شابک: ۳۹۰۰۰ ریال: ۷-۳۶۳-۴۱۹-۹۶۴-۹۷۸
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیدا
- یادداشت: کتابخانه .
- موضوع: اسلام و دولت.
- موضوع: شیعه و سیاست.
- موضوع: مشروعیت حکومت (فقه).
- موضوع: اهلست.
- موضوع: کشورداری - جنبه‌های مذهبی - اسلام
- شناسه افزوده: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ردجندی کنگره: ۱۳۸۸ ت ۳۲۵ الف / ۳۳۱ BP
- ردجندی دیوین: ۴۸۳۲/۲۹۷
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۷۸۹۹۵



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: تحول مفهوم حاکم جائر در فقه سیاسی شیعه

تألیف: محمدرضا احمدی طالشیان

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: تومان ۳۹۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۳۶۳-۷

ISBN 978 -964-419-363 -7

مقوق این اثر برای ناشر محفوظ است

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، روبروی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۲۰۹۴.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صندوق پستی ۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

این اثر یکی از موضوعات
«طرح تدوین تاریخ انقلاب اسلامی»
است که در مرکز اسناد انقلاب
اسلامی تهیه شده و کلیه حقوق آن
برای مرکز محفوظ می‌باشد.

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۱۱ | مقدمه |
| ۱۳ | پیشگفتار |
| ۱۵ | تقسیم‌بندی حاکمان |
| ۱۶ | طبقه بندی حکومت جور |
| ۱۶ | ۱- جور از لحاظ منبع مشروعیت |
| ۱۷ | ۲- جور در عملکردها |
| ۱۸ | ۳- جور در قوانین |
| ۱۸ | ۴- جور در کارگزاران |
| ۲۳ | فصل اول: ائمه (ع) و حاکمان جائز |
| ۲۵ | امامت از دیدگاه شیعه |
| ۲۷ | ادله‌ی امامت |
| ۳۰ | شرایط امامت و امام |
| ۳۰ | الف) علم و فضل امام |
| ۳۲ | ب) عصمت |
| ۳۴ | ج) انتصاب یا نص |
| ۳۹ | دوران غیبت و موضوع امامت و حکومت |
| ۴۲ | دسته بندی روایات در مورد حاکم جائز |
| ۴۳ | ۱- منع اعانت ظالم و همکاری با حاکم جائز |
| ۴۴ | ۲- نهی از مدح ظالم |
| ۴۵ | ۳- نهی دوست داشتن بقای حاکم جور |
| ۴۶ | ۴- مذمت پادشاهان ظالم و عقاب آنها در روز قیامت |

- ۵ - مذمت معاشرت با پادشاهان ظالم و نزدیکی به آنها ۴۷
- ۶ - جواز تعامل و همکاری با حاکم جائر ۴۸
- ۷ - جواز قبول هدایا و جوایز پادشاهان جائر ۵۰
- ۸ - لزوم اطاعت از پادشاهان و نهی از مخالفت با آنها ۵۱
- ۹ - ویژگی‌های حاکم جائر ۵۲
- ۱۰ - علل به قدرت رسیدن حاکمان جائر ۵۲
- سیره‌ی عملی انمه (علیهم السلام) در مقابل حاکمان جور ۵۴
- نحوه‌ی تعامل حضرت علی (ع) با حاکمان جور و خلفا ۵۵
- ۱ - خودداری از بیعت داوطلبانه ۵۷
- ۲ - انتقاد از عملکرد خلفا ۵۷
- ۳ - حمایت از منتقدان سیاسی ۵۸
- ۴ - نادیده گرفتن فرمان خلفا ۵۸
- نحوه‌ی تعامل حضرت امام جعفر صادق (ع) با خلفا ۵۹
- روش و مواضع امام رضا (ع) در مقابل حاکمان جور ۶۲
- جمع‌بندی ۶۷
- فصل دوم: مفهوم حاکم جائر در عصر آل بویه ۶۹
- مقدمه ۷۱
- وضعیت عباسیان تا اوایل غیبت کبرا ۷۶
- روی کار آمدن آل بویه ۷۸
- ایجاد فضایی مناسب ۸۲
- علما و حاکمان جور ۸۵
- شیخ طوسی و نظریه‌ای جدید ۹۷
- جمع‌بندی ۱۰۳
- فصل سوم: مفهوم حاکم جائر در عصر ایلخانان ۱۰۵
- مقدمه ۱۰۷
- سلجوقیان و وضعیت شیعیان تا پایان روی کار آمدن مغولان ۱۱۰
- برآمدن مغولان و مواضع شیعه و علما ۱۱۶

| | |
|----------|--|
| ۱۲۸..... | ابن ادریس و احیای اجتهاد شیعی |
| ۱۳۰..... | سلطان عادل..... |
| ۱۳۱..... | سلطان جائز..... |
| ۱۳۴..... | محقق حلی و حکومت جور..... |
| ۱۳۸..... | حکومت عادل و جائز..... |
| ۱۴۰..... | سید بن طاووس و ترجیح حاکم عادل کافر بر حاکم جائز مسلمان..... |
| ۱۴۸..... | علامه حلی و بازگشتی تقریبی به دیدگاه شیخ طوسی..... |
| ۱۵۲..... | شهید اول و حکومت جور..... |
| ۱۵۸..... | فاضل مقداد و اتحاد فقیه و سلطان..... |
| ۱۶۳..... | جمع بندی..... |

| | |
|----------|---|
| ۱۶۵..... | فصل چهارم: مفهوم حاکم جائز در عصر صفویه..... |
| ۱۶۷..... | مقدمه..... |
| ۱۷۲..... | محقق کرکی و گستردگی اختیارات فقیه..... |
| ۱۷۶..... | محقق کرکی و حاکم جور..... |
| ۱۸۲..... | از شهید ثانی و طرح ولایة الفقیه تا علامه مجلسی..... |
| ۱۹۶..... | علامه مجلسی، نیابت یا سلطنت؟..... |
| ۲۰۴..... | علامه مجلسی و سلطنت مشروعه!..... |
| ۲۱۶..... | جمع بندی..... |

| | |
|----------|--|
| ۲۱۹..... | فصل پنجم: مفهوم حاکم جائز در عصر قاجاریه..... |
| ۲۲۱..... | مقدمه..... |
| ۲۲۹..... | مرحوم وحید بهبهانی و تلاش در دوره‌ی فترت..... |
| ۲۳۴..... | کاشف الغطاء و اذن به سلطان..... |
| ۲۴۰..... | میرزای قمی و تفسیر شاه سایه خدا..... |
| ۲۴۸..... | مرحوم نراقی و اثبات اختیارات تام برای فقیه..... |
| ۲۵۸..... | صاحب جواهر، گستردگی اختیارات فقیه یا سلطان!..... |
| ۲۶۷..... | شیخ انصاری و تبیین احکام ارتباط با جائز..... |
| ۲۷۵..... | احکام حاکمان جور..... |

| | |
|----------|--|
| ۲۷۸..... | مشروطیت و تحدید قدرت سلطان..... |
| ۲۸۲..... | شیخ فضل الله نوری و ترجیح شاه مسلمان بر مشروطه‌ی غربی..... |
| ۲۸۸..... | مرحوم نائینی و نفی سلطان مستبد..... |
| ۲۹۵..... | جمع‌بندی..... |
| ۲۹۹..... | فصل ششم: مفهوم حکومت جائر در عصر پهلوی..... |
| ۳۰۱..... | مقدمه..... |
| ۳۰۳..... | آیت الله بروجردی و مماشات با شاه جائر..... |
| ۳۱۰..... | تعامل با شاه شیعه..... |
| ۳۱۳..... | آیت‌الله کاشانی و فعالیت در نظام جائر..... |
| ۳۱۷..... | کاشانی و سلطان جائر..... |
| ۳۱۹..... | امام خمینی و نفی کامل حکومت جائر..... |
| ۳۲۵..... | به کارگیری تعبیر ولایت مطلقه‌ی فقیه..... |
| ۳۲۶..... | دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه..... |
| ۳۳۰..... | اختیارات ولی فقیه..... |
| ۳۳۳..... | امام خمینی و نفی سلطنت..... |
| ۳۳۵..... | جمع‌بندی..... |
| ۳۳۷..... | نتیجه‌گیری و جمع‌بندی..... |
| ۳۴۵..... | کتابنامه..... |
| ۳۵۷..... | نمایه..... |

مقدمه

بحث از حاکم جائر همواره در اندیشه فقهی سیاسی علمای شیعه مطرح بوده است و هر کدام از فقها با توجه به دیدگاه‌ها و مبانی علمی خود در این زمینه نظریه‌پردازی کردند. این بحث در متون فقهی به عنوان یک موضوع مستقل مطرح نشده و هنگام بحث از عناوینی مانند قضاوت، امر به معروف و نهی از منکر، بیع، مکاسب محرمه و... طرح می‌گردید. از دیدگاه شیعه، حاکم باید از سوی امام معصوم (ع) و یا نایب او منصوب یا مأذون باشد تا بتوان او را مشروع دانست، در غیر این صورت آن حاکم مشروع و عادل نبوده و مصداق جور قرار خواهد گرفت. اما این مفهوم بسیار مجمل است؛ یعنی تقسیم حاکم به معصوم و جائر، در ابتدای دوره‌ی فقهی بوده است و بعدها به مرور زمان در اثر تحولات به مفهوم مفصل تبدیل شد و در نهایت به این نتیجه رسید که می‌توان در زمان غیبت، حکومت عدل هم داشت.

البته شرایط و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی را نیز نمی‌توان در ایجاد ارتباط و همکاری با علما و عدم ارتباطشان نادیده گرفت. متفکران شیعی در تمامی دوران، ضمن حفظ مبانی و اصول علمی و دینی خود و با توجه به تلقی و برداشت خود از منابع شرعی و نیز با عنایت به شرایط عصر خویش به نابسامانی‌های به وجود آمده پاسخ می‌گفتند. پاسخ به مسئله‌ی مشروعیت حاکم جائر و نحوه‌ی تلقی از آن را می‌توان از مباحث فرعی موضوع ولایت و امامت و حکومت دانست.

تردید نیست که از نظر شیعه‌ی امامیه تنها اصل اساسی که می‌تواند در بعد قدرت

سیاسی، مشروعیت‌آور باشد، مسئله‌ی نص و نصب از جانب خدای متعال است. معنای دیگر این سخن آن است که هر حاکمیتی که فاقد این اصل اساسی باشد از نظر شیعه غیرمشروع بوده و عنوان غضب را به خود خواهد گرفت.

این موضوع زمانی مهم‌تر می‌شود که امام معصوم (ع) منصوب از جانب خدا در میان مردم حضور نداشته و در پس پرده‌ی غیبت باشد. آیا در زمان غیبت، مردم به حال خود رها شده و تشکیل هر نوع حکومتی خلاف شرع و غضب مقام معصوم (ع) است یا اینکه مردم مکلف به سازماندهی امور از جمله تشکیل حکومت می‌باشند؟ آنچه از منابع روایی، علمی و فقهی شیعه برمی‌آید این است که مردم در زمان غیبت به حال خود واگذار نشده‌اند، بلکه نایبانی وجود دارند که باید هدایت مردم و سرپرستی آنها را در دست بگیرند. اما محدوده‌ی اختیارات این نایبان به چه میزان است و آنها تا چه محدوده‌ای حق واگذاری و اذن به دیگران را دارند، بحث مستقلی است که دیدگاه‌های مختلفی هم در این زمینه وجود دارد.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در راستای شناساندن فقه پویای تشیع و سیر تطور و تکامل مفهوم حاکم جائر به انتشار این کتاب اقدام کرده است. در پایان ضمن تقدیر از نویسنده‌ی کتاب، از تلاش تمامی همکاران معاونت انتشارات قدردانی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

آنچه از روایات و ادله مستفاد می‌گردد این است که نیابت امام در زمان غیبت بر عهده‌ی فقها و عدول مؤمنین است. اما وقتی به تاریخ مراجعه می‌کنیم می‌بینیم که به جای فقیه، حاکمانی غیر شرعی بر مسند حکومت نشسته‌اند و فاقد اصل اساسی و معتبر در شیعه هستند. آنها کسانی هستند که امام معصوم آنها را نصب نکرده و یا از طریق نایبان امام هم اذن نگرفته‌اند. بنابراین آنها را می‌توان حاکمان غیر مشروع یا جائر دانست.

قبل از دسته‌بندی حکومت لازم است کلمه‌ی جور معنا شده و ابعاد آن روشن گردد. در واقع مهم‌ترین مفهومی که در این تحقیق درباره‌ی آن بحث می‌شود، مفهوم «جور» و به تبع آن «حاکم جائر» است. جور به چه معناست و تفاوت آن با ظلم چیست و آیا اساساً تفاوتی با ظلم دارد و تقابل آن با عدل به چه صورتی است؟ پس از آن از مفهوم ترکیبی «حاکم جائر» بحث خواهیم کرد.

«جور» در کتاب‌های لغت، هم به صورت مستقل و فی‌نفسه و هم در تقابل با عدل تعریف شده است. در المنجد فی اللغة، جائر کسی است که ظلم کند.^۱ و بیش از این توضیحی داده نشده است، اما در لسان العرب جور نقیض عدل تعریف شده که به

۱. لويس معلوف، المنجد فی اللغة، تهران، انتشارات اسماعیلیان، چ دوم، ۱۳۶۴، ص ۱۰۹

معنای ظلم است: الجور نقيض العدل.^۱ دهخدا از قول صاحب کشاف اصطلاحات الفنون می‌گوید: «ظلم، بالضم و الفتح و سکون اللام، لغة وضع الشئ في غير محله و في الشريعة عبارة عن التعدى عن الحق الى الباطل و هو الجور»^۲ که از این امر تا حدودی تفاوت معنای ظلم و جور مشخص می‌شود. گرچه ظلم در لغت به معنای وضع الشئ في غير محله است اما وقتی موضوع انحراف از مسیر حق و رفتن به سوی باطل باشد، معنای جور پیدا می‌کند. چنان که همان لغتنامه وقتی از ماده‌ی جور بحث می‌کند آن را به معنای ستم کردن در حکم، میل کردن از راستی در راه، معنا کرده است.^۳

همین معنا و تعبیر هم در قرآن مجید نیز آمده است که مفسرین از جمله مرحوم علامه طباطبایی کلمه‌ی جانر را به معنای انحراف از راه راست گرفته‌اند. در آیه‌ی ۹ سوره‌ی نحل آمده است: «و علی الله قصد السبیل و منها جانر» در قرآن تنها یک بار کلمه‌ی جانر آمده که در همین آیه است. علامه طباطبایی می‌گوید:

«جانر به معنای منحرف از هدف است و رهرو خود را به غیر هدف می‌رساند و از هدف گمراه می‌کند. خدای سبحان قصد السبیل را به خودش نسبت داده ولی سبیل جانر را نسبت نداده، جهتش این است که جانر راه ضلالت است و از ناحیه‌ی خدا جعل نشده است. بلکه راهی که خدا جعل کرده راه قصد و هدایت است و راه جانر به معنی انحراف از راه هدایت و پیمودن آن است، پس در حقیقت راه نیست بلکه بیراهه است... راه جانر که آن را به خدا نسبت نداده رهرو خود را به خدا منتهی نمی‌کند و نیز می‌فهمیم که راه نیست بلکه انحراف از راه است... سبیل جانر و راه ضلالت در حقیقت راه نیست تا قابل جعل باشد بلکه اگر دقت کنیم راهی نرفتنی و امری عدمی است و امر عدم هم قابل جعل نیست».^۴

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، بیروت، انتشارات احیاء التراث، ج اول، ۱۴۱۶، ص ۴۱۳

۲. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سازمان لغتنامه، چاپ رحلی، بی‌تا، حرف ظ، ج ۲۹، ص ۱۸

۳. همان، ج ۱۵، حرف ج، ص ۱۴۷

۴. سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲، قم، دفتر

بنابراین جور ضمن اینکه معنای ظلم را دارد معنای خاصی نیز دارد و آن انحراف از راه حق و ورود در راه باطل است. در اصطلاح فقها هم، جائز کسی است که بدون اذن امام یا نایب او به حکومت رسیده باشد. در واقع حاکمان جائز ضمن اینکه وضع الشی فی محله نکردند، بلکه از راه راست یا قصد السبیل نیز منحرف شده و در راه باطل و انحراف قرار گرفته‌اند. بنابراین حاکم جائز حاکمی است که در راه باطل قدم برمی‌دارد و از مسیر حق منحرف گشته و تمایل به باطل پیدا کرده است. در اینجا قرار گرفتن امام یا نماینده‌ی او در مقامش (حکومت و امارت) به معنای وضع الشی فی محله است که به معنای عدل است و چنین شخصی عادل است، اما اگر غیر امام و غیر مأذون در منصب حکومت قرار بگیرد، وضع الشی فی غیر محله است که همان ظلم است و چون این شخص از مسیر حق و قصد السبیل منحرف شده و گرایش به باطل و بیراهه پیدا کرده، به او جائز گفته می‌شود. پس هم وضع الشی فی غیر محله است و هم غضب مقام حکومت. بنابراین حاکم جائز کسی است که در جای واقعی خود قرار نگرفته و مقامی را نیز غضب کرده است.

تقسیم‌بندی حاکمان

در میراث فقهی شیعه، حاکمان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: عادل و جائز. این تقسیم‌بندی در منابع متعدد، از جمله در رساله‌ی «فی‌العمل مع السلطان» مرحوم سید مرتضی آمده است. ماحصل تقسیم‌بندی علما از سلطان را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- ۱- سلطان یا حق و عادل است که منظور، امام معصوم (ع) و مجتهدین می‌باشند.
- ۲- و یا باطل و جائز است که سه قسم می‌باشد:

الف) جائز شیعه یا موافق، مثل: سلاطین آل‌بویه و قاجاریه؛

ب) جائز سنی یا مخالف، مثل: سلاطین سلجوقی و خوارزمشاهی؛

(ج) جائر کافر، مانند: برخی از سلاطین مغول.

علاوه بر تقسیم‌بندی فوق، احکام خاصی نیز از سوی علما در زمینه‌ی ارتباط با حاکمان جائر بیان شده است. احکامی مانند پذیرش ولایت از سوی حاکم جائر، قبول جوایز سلطان، رفتن به دربار سلطان، انجام کار برای سلطان و... در میان فقها مورد بحث و پرسش بوده است. در این میان مرحوم شیخ انصاری بیش از همه به این موضوع پرداخته و به آن عمق داده و فروع مختلفی را مطرح کرده و احکام هر کدام را بیان نموده است.

بنابراین، در طول تاریخ حاکمانی وجود داشته‌اند که از سوی امام(ع) یا نایب او نصب نشده و مأذون نبوده‌اند. بیشتر حکام و سلاطین که بر امت اسلامی حکومت کرده‌اند از این دسته‌اند. دیدگاه فقهای شیعه نسبت به چنین حاکمانی چه بوده است؟ آیا آنان را حاکمان جائر و دولت‌شان را حکومت جور می‌دانستند؟

حاکم جائر و حکومت جور چه مفهومی نزد فقها داشته است؟ آیا این مفهوم در طول تاریخ و نزد همه‌ی فقها به یک معنا به کار رفته است؟ مفهوم حاکم جائر چه تحولی در اندیشه‌ی سیاسی فقها در طول تاریخ پیدا کرد؟ مسلماً ارتباط و همکاری یا عدم ارتباط فقها با حاکمان جور منبعت از دیدگاه آنان نسبت به حکومت و حاکم جائر بوده است.

فقهای دوره‌ی اول چه تلقی‌ای از حاکم جائر داشتند و آیا تا زمان حاضر این تلقی و برداشت تحول پیدا کرده است یا خیر؟ آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد تحول مفهوم حاکم جائر نزد فقهای شیعه از زمان غیبت تا زمان مشروطه است.

طبقه‌بندی حکومت جور

حکومت جور دارای مراتبی است که عبارت‌اند از:

۱- جور از لحاظ منبع مشروعیت: می‌توانیم از آن به جور در اصل نظام سیاسی

نام ببریم. در این قسمت وقتی جور را برای یک حاکم یا حکومتی به کار می‌بریم به معنای غیرمشروع بودن اصل حکومت است. بدین معنا که حاکم بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و بنیادهای شرعی به حکومت رسیده است. مبنای اساسی در مشروع بودن حکومتی نص یا نصب یا اذن است. حاکمی را جائز می‌نامیم که از غیر طریق نصب یا اذن به حکومت رسیده باشد. بنابراین اغلب حکومت‌های پس از پیامبر (ص) و همچنین حکومت‌های زمان غیبت از مصادیق حکومت جور می‌باشند؛ زیرا براساس نظر شیعه، حکومت، حق ائمه (ع) و پس از ایشان حق نایبان آنهاست که همان فقها باشند.

آنچه در این تحقیق ارائه گردید، مبتنی بر این دیدگاه از معنای حکومت جور است و در بیشتر موارد وقتی می‌گوییم حاکم جور، به معنای غیرمشروع بودن اصل حکومت و نظام سیاسی است.

۲- جور در عملکردها: معنای دیگری از حکومت جور به عملکرد و فعالیت‌های یک نظام برمی‌گردد. یک نظام ممکن است هم در منشأ مشروعیتش و هم در عملکردش جائز باشد. یعنی اصل نظام براساس نصب یا اذن نبوده، ضمن اینکه در عمل هم به مردم و مسلمانان ظلم و تعدی صورت می‌گیرد. حکومت‌های زیادی در دوران غیبت داشتیم که هم در مشروعیت و هم در عملکرد جائز بوده‌اند. از اینجا می‌توان این بحث را مطرح کرد که در صورت تعارض بین حکومت جائز مسلمان و حکومت کافر عادل به لحاظ عملکرد، کدام یک ترجیح دارند؟ این موضوع در پایان دوران حکومت عباسی و سلطه‌ی مغولان به وقوع پیوست. سیدبن طاووس وقتی با مغولان و به خصوص هولاکو مواجه شد، حکومت کافر عادل را بر حکومت مسلمانان جائز ترجیح داد که در فصل مربوط به دوره‌ی ایلخانیان و مغولان به آن پرداخته شده است. شبیه چنین وضعیتی را در دنیای کنونی و در کشورهای اروپایی و... می‌توانیم ببینیم. آنان با اینکه اصل حکومت‌شان مشروع نیست اما در عمل ظلمی به مردم نمی‌شود و حقوق متقابل، چه حقوق بین حاکمان و مردم و چه بین مردم و نهادهای

مختلف رعایت می‌گردد.

بنابراین، معنای دیگری از حکومت جور، ظلم در عملکرد می‌باشد. گرچه پایه‌های مباحث این تحقیق بر ظلم به معنای عدم مشروعیت حاکمان استوار است، اما در مقاطعی بحث‌های مربوط به جور در عمل نیز مطرح می‌گردد.

۳- جور در قوانین: یکی از مصادیق جور را می‌توانیم جور در قوانین، دستورالعمل‌ها و احکام صادره بدانیم. از نظر شیعه، منشأ و منبع همه‌ی قوانین از خدای متعال و قرآن است که البته ائمه‌ی اطهار(ع) هم به عنوان مفسران قرآن، آنچه را که بیان می‌کنند در حکم قانون شرعی است. کلیه‌ی قوانین باید با اصول شرعی و دینی و اعتقادات مذهبی مطابقت کند و این موضوع باید به تأیید و تصویب کسانی برسد که دین‌شناس بوده و درک صحیحی از قوانین دینی داشته باشند. در حکومت‌های جور، از آنجایی که معمولاً ملاک تدوین قانون، شخص شاه و خواسته‌های وی بود، لذا این قانون نمی‌توانست براساس منابع و موازین شرعی باشد. آیا اصولاً حاکم جائری که اصل نظام او مورد سؤال است می‌تواند قوانینی مطابق با شریعت وضع کند؟

۴- جور در کارگزاران: علاوه بر ظلم در اصل نظام سیاسی و عملکرد حاکمان و تدوین قوانین، یک معنای دیگر جور می‌تواند به تعیین و انتصاب کارگزاران و والیان برگردد. از لحاظ منبع مشروعیت، چون حاکم، خودش غیر مشروع است، بنابراین احکامی هم که صادر می‌کند، غیر مشروع بوده و حجت نیست. بنابراین اینجا می‌توان بحث پذیرش ولایت از سوی حاکم جائر را مطرح کرد که یکی از احکام ارتباط با حاکم جائر و زندگی در حکومت وی می‌باشد. آیا پذیرش ولایت، جایز است یا خیر؟ از اینجا است که بحث‌های متعددی مانند حفظ مصالح، تقیه، برآوردن حاجات مؤمنین و... مطرح می‌شود که در جای خود به آن می‌پردازیم. از اینجا می‌توان فرع دیگری را مطرح کرد به این صورت که ممکن است در نظام شروع برخی کارگزاران عملکرد غیر مشروعی داشته باشند. نمونه‌ی بارز این نظام حکومت پنج ساله‌ی امیرالمؤمنین(ع) است. در این نظام ضمن اینکه حاکم از سوی خداوند و یا پیامبر نصب شده است، اما

بعضی از اعمالی که از کارگزاران سر می‌زند جائزانه بوده و حکومت را زیر سؤال می‌برد. برخوردهای عتاب‌آمیز آن حضرت با بعضی از استانداران خود در همین راستا قابل تفسیر است. نمونه‌ی دیگر این نوع نظام، جمهوری اسلامی ایران است که در سال ۱۳۵۷ براساس تز ولایت فقیه که مشروعیت خود را از خدا می‌گیرد بنیانگذاری شد.

بنابراین از معانی مختلفی که از حکومت جور ارائه گردید، گرچه معنای اول بیش از همه مورد نظر است و بیشتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما معانی سه‌گانه‌ی اخیر نیز بخشی از مباحث را به خود اختصاص داده‌اند.

از همین‌جا می‌توان علت پرداختن به این موضوع را فهمید؛ زیرا ارتباط علما با حاکمان جور و یا نفی آنها، بخش مهمی از فقه و به خصوص فقه سیاسی شیعه را تشکیل می‌دهد. علاقه به مباحث فقه سیاسی، به خصوص موضوع تعامل علما با حاکمان جور، یکی از دلایل انتخاب موضوع است؛ زیرا این امر در طول دوران غیبت کبری و حتی پیش از آن مطرح بوده است. علاوه بر این، چون تحقیق مستقل و تکنوگاری‌ای درباره‌ی، روابط علما با حاکمان جور و تحول مفهوم حاکم جائز نگاشته شده، موجب گردید این موضوع که در واقع از موضوعات دست اول نیز به شمار می‌رود انتخاب شود. تبیین ارتباط علما با حاکمان و بررسی مبانی این ارتباط می‌تواند ما را از نحوه‌ی نگرش علما نسبت به حاکم جائز آگاه ساخته و تحول مفهوم حاکم جائز را نزد فقهای شیعه روشن کند.

سؤال اصلی

سؤال اصلی پژوهش این است که مفهوم حاکم جائز در فقه سیاسی شیعه دچار چه تحولی شده است؟

با توجه به سؤال اصلی به این نتیجه می‌رسیم که حاکم جائز از مفهوم مجمل و اجمالی خود در آغاز غیبت کبری، به دلیل تحریک‌ها و شرایط سیاسی - اجتماعی، رفته‌رفته به مفهومی مبسوط تبدیل شده و باعث گردید زندگی سیاسی شیعه از حاشیه

و انزوا به متن جامعه بیاید. از آنجایی که دانش فقه تحول را از تحرک‌های بیرونی می‌گیرد و به دنبال حل مسائل و مشکلات است لذا در راستای تحلیل و حل موضوعات پدید آمده، بسط می‌یابد، از اجمال به تفصیل می‌گراید و فروع مختلفی در یک موضوع فرض شده و مورد تحلیل و تبیین قرار می‌گیرد. مفهوم حاکم جائر در ابتدا سلبی و متصلب بود؛ به این معنا که فقها معتقد بودند حاکم باید امام معصوم باشد، در غیر این صورت جائر است. اما به مرور زمان به این نتیجه رسیدند که حد وسطی نیز می‌توان قائل شد و به صورت تفصیلی بیان کردند که حاکم یا امام معصوم است یا نایب او که عادل‌اند و در غیر این صورت اگر اذن نداشته باشند جائر هستند که باز یا جائر موافق است یا مخالف و یا کافر و در نهایت به این نتیجه رسیدند که در زمان غیبت می‌توان از حکومت عدل نیز سخن گفت. بنابراین، مفهوم حاکم جائر از حالت اجمال در اوایل غیبت کبری، به تدریج به مفهومی مفصل و دارای فروع مختلف تبدیل گردید.

سازماندهی تحقیق

این تحقیق در یک مقدمه، شش فصل و یک خاتمه ارائه می‌گردد. فصل اول را به حکومت جور از نگاه روایات اختصاص دادیم. از آنجایی که بحث امامت نیز از بحث‌های مهم در حکومت و ولایت است، ابتدا بررسی مختصری در زمینه‌ی امامت انجام گرفت. پس از آن روایاتی را که در زمینه‌ی حکومت‌های جور و پادشاهان وارد شده است در ده بند دسته‌بندی خواهیم کرد. برخی از ورود به حریم حکومت جور به شدت نهی کرده‌اند ولی بعضی از روایات دیگر، افراد شاخص را به حضور در دربار و پذیرفتن ولایت تشویق نموده‌اند. با بررسی رفتار ائمه در مقابل حاکمان جائر نیز می‌توان به نحوه‌ی برخورد آن بزرگواران با حاکمان زمان پی برد که سه مورد مشخص: رفتار حضرت علی(ع) با خلفا، رفتار امام صادق(ع) و رفتار امام رضا(ع) با حاکمان زمان خود را به صورت مختصر بررسی خواهیم کرد.

در فصل دوم به بررسی اوضاع زمان آل‌بویه و نقش علما در این زمان می‌پردازیم که از دغدغه‌های اصلی این دوره، تحکیم پایه‌های امامت و تبیین موضوع غیبت امام دوازدهم (ع) می‌باشد. در چنین وضعیتی علمای آن دوره از موضوع حکومت جور نیز غافل نبوده و دیدگاه خود و وظیفه‌ی مردم را بیان کرده‌اند.

در اواخر این دوره شیخ طوسی معتقد است افرادی که توانایی انجام کار دارند باید خود را در معرض پذیرش ولایت از سوی حاکم جائز قرار دهند. در تمام این حکومت، جور به معنای مشروع یا نامشروع بودن اصل نظام سیاسی مطرح است.

در فصل سوم، با زوال عباسیان و ظهور مغولان و ایلخانیان دوره‌ی جدیدی از ارتباط علما با حاکمان شروع می‌شود. گرچه انتظار این است که علما در مقابل حاکمان غیر مسلمان بایستند، اما با تلقی خاصی که از عدل و جور به وجود آمد، به خصوص نزد سید بن طاووس، علما به استقبال مغولان شتافتند و از آمدن آنان استقبال کردند. زیرا این مورد پیشگویی حضرت امیرالمؤمنین (ع) بود. اینجا دیگر موضوع اصل نظام سیاسی مطرح نیست، بلکه جور و ظلم در عمل و فشار بر شیعیان باعث شد تا علمای وقت، حاکم کافر را بر حاکم مسلمان ترجیح دهند؛ حاکم مسلمانی که هم در اصل نظام غیرمشروع بود و هم در عملکرد ظالم. از مهم‌ترین نتایج ارتباط علما در این دوره گرایش حاکمان مغول به اسلام بوده است.

در فصل چهارم بحث شده است که با ظهور صفویه، کم‌کم شیعه و تشیع از انزوا خارج گردید و در حالی که بیشتر مردم ایران سنی مذهب بودند، شیعه‌ی اثنا عشری از سوی شاه اسماعیل بنیانگذار سلسله‌ی صفوی، مذهب رسمی اعلام گردید. از این زمان حیات علمی و سیاسی و اجتماعی علما و مردم وارد مرحله‌ای تازه گردید و احکام خاصی نیز در رابطه با حاکمان صادر شد. در دوره‌ی اول و با ظهور آل‌بویه، علما با حاکمان شیعه مذهب مواجه شدند و در دوره‌ی بعدی با حاکمان کافر روبه‌رو شدند و پس از آن مجدداً با حاکمان شیعه مذهب ارتباط برقرار کردند. در این دوره رابطه‌ی علما با امرا گسترش خاصی پیدا کرد و مظاهر شیعی نیز از اهمیت خاصی برخوردار

گردید.

در فصل پنجم، رابطه‌ی علما و نحوه‌ی تلقی آنها از حاکمان قاجار، ویژگی این دوران و ورود ایران به عصر نو و فضایی جدید از روابط سیاسی و اجتماعی، اعم از داخلی و خارجی بررسی می‌شود. در زمان فتحعلی شاه اذن به سلطان مطرح گردید البته صاحب جواهر نیز معتقد است همه‌ی امور باید در دست فقیه باشد. در عین حال بر این نکته نیز اعتقاد داشت که فقیه می‌تواند آن را به سلطان واگذار نماید. اما مهم‌ترین واقعه‌ی این زمان جنبش مشروطیت بود که توانست اختیارات سلطان را محدود نماید. در اینجا نیز بحث‌های متعددی مطرح می‌شود که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

در فصل ششم، یعنی دوره‌ی مشروطیت، دیدگاه‌های بعضی از علمای این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. ویژگی مهم این دوره که در پایان آن قرار دارد، با ظهور فقیه مبارز و مجاهد، امام خمینی، مخالفت با سلطان در عمل و نظر توأمان می‌گردد. اگر در دوره‌های قبل مخالفت بیشتر از جنبه‌ی نظری بود، امام خمینی سلطنت را با مبانی اسلام در تضاد دانست و با اعتقاد بر ولایت مطلقه‌ی فقیه آن را برانداخت و حکومت اسلامی تأسیس کرد.

در خاتمه‌ی تحقیق هم پس از جمع‌بندی، نتایج حاصل از پژوهش و با توجه به دستاوردها، پیشنهادهایی نیز ارائه می‌گردد.

در پایان از همه‌ی کسانی که اینجانب را در انجام این تحقیق یاری کردند، از جمله حجج اسلام آقایان دکتر لک‌زایی و دکتر فیرحی تشکر و قدردانی نموده و این اثر کوچک را به ارواح پدر و مادرم تقدیم می‌نمایم. امید است این تحقیق بتواند به اهداف مورد نظر برسد.

محمدرضا احمدی طالشیان

شهر مقدس قم